
تقسیم مساوی بیت‌المال در سیره امام علی (علیه السلام) و واکاوی علل آن

یدالله حاجی زاده*

تاریخ پذیرش: ۹۸/۴/۲۷

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۵

چکیده

واکاوی سیره امام علی (علیه السلام) در تقسیم بیت‌المال نشان می‌دهد آن حضرت بیت‌المال را به صورت مساوی در بین مسلمانان تقسیم می‌کرد و کسی را بر دیگری ترجیح نمی‌داد. سوالی که در این جا مطرح شده این است که چرا امام علی (علیه السلام) در این باره سوابق ایمانی افراد، از جمله زمان اسلام آوردن آنان و یا سوابق جهادی آنان را لحاظ نمی‌کرد؟ این پژوهش که با بررسی منابع متقدم و بهره‌گیری از روش تحلیل تاریخی سامان یافته، نشان می‌دهد اولاً: موارد مصرف بیت‌المال در دوره امام علی (علیه السلام) منحصر به تقسیم مساوی آن نبوده، بلکه بخش عمده‌ای از آن در امور دیگری چون رسیدگی به اقشار نیازمند و از کارافتادگان، مجاهدان مسلمان، هزینه‌های جنگ، پرداخت حقوق و دستمزد ماموران دولتی مصرف می‌شده است. ثانیاً: آن حضرت ضمن توجه به ارزش و جایگاه افراد، استنادش در این شیوه، به قرآن کریم و سیره رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بوده است.

واژگان کلیدی

امام علی (علیه السلام)، بیت‌المال، تقسیم مساوی، قرآن، سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

نهج البلاغه سیره امام علی (علیه السلام) و سبک زندگی آن حضرت، علی‌رغم عدم امکان و یا دشواری رعایت برخی از جنبه‌های آن (نامه ۴۵) از جهات مختلف، درس‌آموز و هدایت‌بخش است. شناخت و عمل به سیره آن حضرت می‌تواند بسیاری از مشکلات را از جامعه اسلامی برطرف کند و مسیر سعادت را برای همگان هموار سازد. آن حضرت که از ماه‌های پایانی سال ۳۵ تا سال ۴۰ هجری امر حکومت را در جامعه اسلامی عهده‌دار بود، سیاست‌های مالی ارزنده‌ای را به اجرا گذاشت که یکی از مهم‌ترین و در عین حال چالش‌برانگیزترین آنها، تقسیم بیت‌المال به صورت مساوی در میان مسلمانان بوده است. از منظر آن حضرت همه مسلمانان، سهمی یکسان از بیت‌المال دارند و در تقسیم بیت‌المال نمی‌توان کسی را بر دیگری ترجیح داد. سوالی که در این جا مطرح است این است که چرا امام علی (علیه السلام) به سوابق افراد در ایمان به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و یا جهاد در راه خدا عنایتی نداشت و همگان را به طور مساوی از بیت‌المال بهره می‌داد؟ پاسخ به این سوال - با این فرضیه که این امر، برخاسته از توجه آن حضرت به آموزه‌های اسلامی (قرآن و سیره پیامبر ص) بوده - می‌تواند مقدمه‌ای باشد به سوال دومی با این عنوان: آیا اتخاذ چنین روشی از سوی امام علی (علیه السلام) حکمی حکومتی بوده که طبیعتاً تابع صلاح‌دید حاکم است، یا حکم قطعی شرعی که در همه ادوار باید رعایت شود؟ شاید این تحقیق نتواند پاسخ دقیقی برای سوال دوم بیابد، اما بررسی دقیق سیره آن حضرت می‌تواند مقدمه‌ای در پاسخ‌گویی به سوال دوم نیز باشد.

بررسی پیشینه موضوع نشان می‌دهد تا به حال، کارِ درخوری در این زمینه صورت نگرفته است. در کتاب «سیاست‌های مالی امام علی (علیه السلام)» نوشته محمدحسین علی‌اکبری، صرفاً به سیاست تقسیم مساوی بیت‌المال آن‌هم به صورت بسیار جزئی اشاره شده است. (علی‌اکبری، ۱۳۹۰: ۲۳۵-۲۳۷) در مقاله‌ای که با عنوان «شیوه‌های تقسیم بیت‌المال در صدر اسلام» توسط حامد منتظری مقدم در مجله معرفت اقتصاد اسلامی، به چاپ رسیده، نویسنده ضمن بررسی شیوه تقسیم بیت‌المال توسط پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و خلفا تا پایان قرن دوم هجری، به سیره امام علی (علیه السلام) نیز در این زمینه توجه کرده است. نویسنده این مقاله عمدتاً شیوه‌های تقسیم را بیان و آنها را با هم مقایسه کرده و به این نتیجه رسیده «علی‌رغم عدول زمامداران اسلامی از سیره پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) در تقسیم مساوی بیت‌المال، این روبه همواره به عنوان روبه‌ای آرمانی تلقی شده است.» (منتظری مقدم، ۱۳۸۹: ۱۳۷-۱۷۱) مقاله دیگری با عنوان «بیت‌المال» توسط سیدرضا حسینی در دانشنامه امام علی (علیه السلام) به چاپ رسیده، که در بخشی از آن، ذیل عنوان «سیاست امیرالمومنین در تقسیم بیت‌المال»، در کنار اشاره به مواردی چون «عدم





ارزئزاق از بیت المال» و «عدم ذخیره سازی بیت المال»، به سیاست مساوات نیز به صورت بسیار مختصر اشاره شده است. (حسینی، ۱۳۸۰: ۳۸۱-۴۴۶) مقاله دیگری با عنوان «بیت المال در نهج البلاغه» توسط محمد رحمانی در مجله حکومت اسلامی به چاپ رسیده که نویسنده، در کمتر از دو صفحه اشاراتی به سیاست امام علی (علیه السلام) در تقسیم بالسویه بیت المال دارد. (رحمانی، ۱۳۷۹: ۳۱۵-۳۴۶) در بخش هایی از مقالات مذکور و سایر مقالات و نوشته هایی که درباره سیاست های مالی امیرالمومنین (علیه السلام) نوشته شده، همانند کتاب «بیت المال در نهج البلاغه»، (نوری، ۱۳۶۳) سیره آن حضرت درباره نحوه استفاده و تقسیم بیت المال مورد توجه قرار گرفته، اما به علل انتخاب این سیره، کمتر توجه شده است. در نوشتار حاضر تلاش شده ضمن اشاره به سیره آن حضرت در تقسیم بیت المال، علل انتخاب «سیاست مساوات در تقسیم بیت المال» توسط ایشان، مورد توجه قرار گیرد.

مفهوم شناسی

۱- سیره

واژه سیره در زبان عربی از ماده سیر است. سیر به معنای حرکت، رفتن و جریان یافتن است. (ابن فارس، بی تا: ۱۲۰ / ۳) از منظر لغت شناسان، سیره بر وزن فعله به معنای حالت، روش، سبک، رفتار، سنت، طریقت (طریقه) و هیات است. (ابن فارس، بی تا: ۱۲۰ / ۳؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۲۷ / ۲) این منظور، بی تا: ۳۸۹ / ۴) با توجه به معنای لغوی می توان گفت سیره در اصطلاح همان راه و روشی است که از حالت محدود بودن و انفرادی بیرون آمده و به تکثر، دوام و استمرار رسیده و به تعبیری حالت سبک و متد به خود گرفته است. شناخت سیره و یا همان سبک رفتاری از اهمیت خاصی برخوردار است به گونه ای که در الگوگیری، عمدتاً «سبک رفتارها» مورد توجه قرار می گیرند.

۲- بیت المال

«بیت المال» مرکب از دو واژه «بیت» و «مال»، از جهت لغوی به معنای خانه مال، خزینه مال و مکان گردآوری و نگهداری اموال است. (حسینی، ۱۳۸۰: ۳۸۴؛ علی اکبری، ۱۳۹۰: ۲۳) در تعریف اصطلاحی این واژه آمده است: «بیت المال عنوانی است که از آغاز تشکیل دولت اسلامی بر مجموعه داری های موجود یا بالقوه دولت و نیز محل و موضعی که بخش منقول این داری ها در آنجا گرد می آوردند و سپس تحت شرایط و قوانینی برای مصالح عامه مسلمانان و جامعه اسلامی خرج می کردند، اطلاق شده است.» (سجادی، ۱۳۸۳: ۱۳ / ۲۸۴) این واژه به تدریج تنها به «اموالی» که در آن محل



نگهداری و حفاظت می‌شد، اطلاق شده است. امام علی علیه السلام در یکی از سخنان خویش بیت‌المال را نه مال شخصی امام و نه مال فردی از مسلمانان، بلکه مالی برای تمامی مسلمانان که اختیار آن در دست امام قرار دارد، دانسته است. (نامه ۶۷)

باید توجه داشت که منابع مالی دولت اسلامی از جهت نوع مصرف آنها سه گونه‌اند: یک بخش از این منابع، اموال حکومتی شامل خمس، انفال، قطایع ملوک، صفاای غنائم (یک‌پنجم غنائم که در اختیار حاکم است)، میراث بدون وارث و اموال مجهول‌المالک هستند که در اختیار رهبر هستند و رهبر در چگونگی تخصیص آن آزادی بیشتری دارد. بخش دوم اموال عمومی همانند درآمدهای جزیه و خراج و... هستند که به صورت امانت در اختیار امام مسلمانان قرار می‌گیرند تا در مصالح عمومی صرف کند و نوع سوم، اموال عناوین خاص همانند زکات و اوقاف هستند که حکومت اسلامی همانند واسطه‌ای آنان را از جایی برداشته و در جای دیگر قرار می‌دهد. مفهوم بیت‌المال، به صورت اصطلاح برای اموال عمومی مسلمانان، به طور خاص بر قسم دوم از این اقسام سه‌گانه اطلاق می‌شود. با این توضیح که اموال بخش اول نیز که اختیارش با رهبر جامعه است، می‌تواند توسط وی جزء بیت‌المال قرار گیرند. (رک: حسینی، ۱۳۸۰: ۳۸۷-۳۸۸) بنابراین مقصود از بیت‌المال در این نوشتار عمدتاً خراج، جزیه، انفال و غنائم (فیء) هستند که دارای مصارف عام هستند. (درباره اموال و درآمدهای بیت‌المال، رک: سجادی، ۱۳۸۳: ۲۸۶/۱۳-۲۹۰: نوری، ۱۳۶۳: ۱۸-۳۳؛ الدجیلی، ۱۳۸۹: ۸۱-۱۰۹)

موارد مصرف بیت‌المال در زمان امام علی علیه السلام

بخشی از بیت‌المال در دوره امام علی علیه السلام صرف مواردی چون فقرا و مستمندان، (بلاذری، ۱۴۱۷: / ۱۴۱ و نامه ۶۷ و نامه ۵۳) امور مربوط به جنگ (هزینه‌های نظامی و هزینه‌های رزمندگان)، (خطبه ۲۳۲؛ نامه ۵۳؛ ابن‌ابی‌الحدید، بی‌تا: ۴ / ۱۰۲) یتیمان، (نامه ۵۳) پیران از کار افتاده، (ابن‌ابی‌شیبیه، ۱۴۱۶: ۹ / ۵۰۹) رفع نیاز کارگزاران حکومتی (نامه ۵۳) همانند قضات (قاضی نعمان، ۱۴۰۹: ۲ / ۵۳۸)؛ ثقفی کوفی، ۱۳۵۳: ج ۱ / ۱۲۲) و امور دیگری چون آموزش و پرورش، امور فرهنگی، سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی، تامین نیازهای خانواده‌های شهدا، پرداخت بدهی‌های فقرا، مخارج زندانیان و پرداخت دیه کسانی که قاتل یا جانی مشخص نداشتند، بوده است. (رک: حسینی، ۱۳۸۰: ۴۲۳-۴۲۷؛ سجادی، ۱۳۸۳: ۱۳/۲۹۲-۲۹۳) در کنار مواردی که به آنها اشاره شد، طبیعتاً بخشی از بیت‌المال، مازاد از این مصارف بوده (حسینی، ۱۳۸۰: ۴۲۷) و یا برای تامین مخارج زندگی روزمره مردم مصرف می‌شده (بلاذری، ۱۴۱۷: ۲ / ۱۳۳؛ ابن‌عساکر، ۱۴۱۵: ۴۲ / ۴۷۶) و همین اموال هستند که پس از به دست آمدن، در



میان مردم تقسیم می‌شد. (علی اکبری، ۱۳۹۰: ۲۳۵) سیاست امام علی (علیه السلام) در تقسیم این اموال همانند سیاست رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، شتاب در تقسیم آن، (ثقفی، ۱۳۵۳: ۴۷ / ۱) به صورت مساوی بوده که در ادامه، ضمن اشاره به سیره آن حضرت در تقسیم این اموال، علل درپیش گرفتن این سیره، مورد توجه قرار می‌گیرد.

شیوه تقسیم بیت المال توسط امام علی (علیه السلام)

امام علی (علیه السلام) از نحوه تقسیم بیت المال در زمان دو خلیفه‌ی قبل از خویش، ناراضی بود، چرا که عمر بن خطاب (حک: ۱۳-۲۳) در تقسیم بیت المال، سابقین در اسلام، را بر دیگران، مهاجران قریش را بر دیگر مهاجران، همه مهاجران را بر همه انصار، و عرب را بر عجم برتری بخشیده بود. (طبری، ۱۳۸۷: ۳ / ۶۱۴) در دوره او تبعیض به گونه‌ای بود که وی حتی دستور داده بود بردگان عرب را از بیت المال آزاد کنند. (ابن سعد، بی تا: ۳ / ۲۶۱؛ احمد بن حنبل، بی تا: ۱ / ۲۰؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۴۴ / ۴۲۷) امام علی (علیه السلام) در زمان عمر، در مواردی ناراضی‌تایی خویش را از نحوه تقسیم این گونه‌ی بیت المال به او اعلام کرده بود. (یعقوبی، بی تا: ۲ / ۲۰۸) احتمالاً اعتراضات امام علی (علیه السلام) و دیگران به این سیره و یا ناکارآمدی آن، سبب تجدید نظر عمر در این باره شده بود، به گونه‌ای که عمر در سال آخر عمرش از تغییر شیوه خویش و بازگشت به سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و ابوبکر در تقسیم بیت المال سخن می‌گفت. (قاسم بن سلام، ۱۴۰۸: ۳۳۶؛ یعقوبی، بی تا: ۲ / ۱۵۴) او حتی در لحظات پایانی عمرش نیز در این فکر بود و از روشی که در زمان خلافتش برگزیده بود، نگران بود. (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۰ / ۴۳۱؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۳ / ۶۷۵) امام علی (علیه السلام) در یکی از سخنان خویش ضمن اشاره به رواج دفاتر حقوق و عطایا بر اساس معیارهای طبقاتی در دوره عمر، به از بین بردن آنها خبر داده است. (کلینی، ۱۳۶۲: ۸ / ۶۰)

سیره عمر در تقسیم بیت المال در دوره خلیفه سوم؛ عثمان (حک: ۲۳-۳۵ هجری) تداوم یافت و عثمان به جهت بذل و بخشش‌های بی‌موردش به بنی امیه، انحراف بیشتری در این زمینه داشت. (رک: احمد بن حنبل، بی تا: ۱ / ۶۲؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۳ / ۴۸۷) اعتراض امام علی (علیه السلام) به سیره عثمان در تقسیم بیت المال نیز در موارد متعددی گزارش شده، (طبری، ۱۳۸۷: ۴ / ۴۰۶) که یک مورد آن در خطبه شقشقیه است که امام علی (علیه السلام) از چپاول بیت المال توسط عثمان و بنی امیه سخن گفته است. (خطبه ۳)

برخلاف دیدگاه و عملکرد خلفای قبل، که به گوشه‌ای از آن اشاره شد، حضرت علی (علیه السلام) بر این باور بود که همه مسلمانان سهمی یکسان از بیت المال دارند (کلینی، ۱۳۶۲: ۸ / ۶۹؛ یعقوبی، بی تا: ۲)

۱۸۳/ و پاداش سابقان و مجاهدان، توسط خداوند در روز قیامت داده خواهد شد. (ابن ابی‌الحدید، بی‌تا: ۱۷۳ / ۲) بر اساس یکی از سخنان آن حضرت، حتی کسی که در دوردست‌ترین مناطق اسلامی نیز زندگی می‌کرد، می‌بایست از حقوقی مشابه حقوق دیگران برخوردار باشد. (نامه ۵۳ و نامه ۴۳) حضرت در نامه‌ای به کارگزار خویش مصقلة بن هبیره شیبانی (م. ۵۰ ق) که به ناحق اموالی را میان عده‌ای از افراد قبیله‌اش تقسیم کرده بود، به مساوی بودن سهم همه مسلمانان از بیت‌المال اشاره کرده است. (نامه ۴۳)

شواهد متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد امام علی علیه السلام بیت‌المال را به طور مساوی در میان مسلمانان تقسیم می‌کرد. (قاضی نعمان، ۱۴۲۳: ۲۷۶؛ اسکافی، ۱۴۰۲: ۲۲۷؛ ابن ابی‌الحدید، بی‌تا: ۱۹۹ / ۲) در یکی از خطبه‌های آن حضرت که در روزهای ابتدایی خلافت ایشان ایراد شده، سخن از تقسیم مساوی بیت‌المال میان سیاه و سرخ است. (مفید، ۱۴۱۳: الف، ۱۵۱) در حقیقت امام تأکید می‌کند که سیره من در این باره عدم ترجیح افراد بر یکدیگر است. در منابع آمده است: آن حضرت در همان ابتدای زمامداری خویش، به عمار یاسر (م ۳۸ ق) و عبیدالله بن ابی رافع (دبیر و کاتب خویش) دستور داد مال موجود در بیت‌المال را به طور مساوی تقسیم کنند و کسی را بر دیگری ترجیح ندهند. (قاضی نعمان، ۱۳۸۳: ۳۸۴/۱) گفته شده در این زمان آن حضرت به هر یک از مسلمانان (بدون توجه به جایگاه و موقعیت اجتماعی آنان) سه دینار داد. (کلینی، ۱۳۶۲: ۸ / ۶۹)؛ ابن ابی‌الحدید، بی‌تا: ۳۸ / ۷؛ ابن عقده کوفی، ۱۴۲۴ / ۹۱) در یک مورد سهل بن حنیف (م ۳۸ ق) وقتی دید امام علی علیه السلام به او و غلامش به یک اندازه از بیت‌المال بخشید، با اعتراض به علی علیه السلام گفت: ای امیرمومنان علیه السلام این شخص تا دیروز غلام من بوده و امروز آزاد شده، آیا به او نیز همان اندازه می‌دهی که سهم من است؟! علی علیه السلام فرمود: سهم او با تو برابر است. (مفید، ۱۴۱۳: ا، ۱۵۲؛ ابن ابی‌الحدید، بی‌تا: ۳۸ / ۷؛ ابن عقده کوفی، ۱۴۲۴ / ۹۱) امیرالمومنین علیه السلام حتی خویشاوندانش را نیز بر دیگران ترجیح نمی‌داد. عقیل؛ برادر آن حضرت و عبدالله بن جعفر؛ برادرزاده و دامادش، علی‌رغم احتیاج شدید مالی که داشتند، بهره‌ای بیش از دیگران از بیت‌المال نداشتند. (خطبه ۲۲۴؛ تقفی، ۱۳۵۳: ۱ / ۶۶-۶۷) همچنین گفته شده آن حضرت با خواسته یکی از همسرانش که اموالی از بیت‌المال برای خویش یا فرزندش طلب کرده بود، مخالفت کرد و از او خواست تا زمان تقسیم آن اموال صبر کند. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۲ / ۱۰۹) بر اساس روایتی از امام صادق علیه السلام آن حضرت در بخشنامه‌ای به کارگزاران خویش نیز سفارش کرده بود به زیاده خواهان، بیش از دیگران ندهند. (کلینی، ۱۳۶۲: ۵ / ۲۸۴)



سیره امام علی (علیه السلام) در تقسیم بالسویه بیت المال سبب اعتراض برخی شد و مشکلاتی را برای حضرت پدید آورد. اعتراضات به گونه‌ای جدی بود که امیرالمومنین (علیه السلام) حتی مجبور شد در این باره با صحابه سخن بگوید و در سخنانی مفصل، آنان را به پیروی از قرآن و روش نبی مکرم اسلام فرا خواند. آن حضرت با اشاره به این که ملائکه برتری تنها به تقوا و پرهیزکاری است، فرمود: «ای گروه مهاجر و انصار! آیا با اسلام خود بر خدا و رسول منت می گذارید؟!» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۱۸۳-۱۸۴) این قضیه نشان می‌دهد اعتراضات علیه این سیاست حضرت، تا حدودی گسترده بوده و عده‌ای با این استدلال که آنان اسلام آورده‌اند و یا زودتر از دیگران اسلام آورده‌اند و می‌بایست سهم بیشتری دریافت کنند. جدی شدن مخالفت با این روش که عمدتاً از سوی اشراف بود، سبب شد که عده‌ای از یاران امام علی (علیه السلام) از ایشان درخواست کنند اشراف عرب را بر دیگران برتری داده، مدتی با آنان مدارا کند و زمانی که کاملاً بر امور مسلط شد، آنگاه عدالت را در میان همه رعایت کند و بیت المال را به طور مساوی تقسیم کند. امام علی (علیه السلام) پیشنهاد آنان را نپذیرفت و فرمود: «آیا به من دستور می‌دهید که پیروزی را با ستم به دست آورم، هرگز چنین نخواهد شد به خدا اگر این مال از آن خودم بود آن را به طور مساوی میان آنان تقسیم می‌کردم چگونه این کار را نکنم در حالی که مال، مال الله است؟» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۱۸۵؛ ثقفی کوفی، ۱۳۵۳: ۷۵ / ۱؛ دینوری، ۱۴۱۰: ۱ / ۱۷۴) الثقات به کلام آن حضرت نشان می‌دهد ایشان بر انجام سیاست تقسیم مساوی بیت المال اصرار داشته و ضمن این که انتخاب روشی دیگر را، ظلم و ستم بر دیگران می‌دانسته، به جهت پایداری اش به دین، اهل مصلحت‌سنجی‌های این گونه نبوده است.

روش امام در تقسیم بیت المال سبب شد برخی از امیرالمومنین (علیه السلام) جدا شده و به معاویه بپیوندند. آنها می‌گفتند: علی (علیه السلام) در تقسیم بیت المال ملاحظه اشراف را نمی‌کند و عرب را بر عجم و موالی آنها برتری نمی‌دهد! (ابن ابی الحدید، بی تا ۲ / ۱۹۷) ابن عباس در نامه‌ای به امام حسن (علیه السلام) به همین نکته اشاره کرده است: «مردم از آن روی پدرت را ترک کردند و به سوی معاویه رفتند که اموال را به تساوی میانشان تقسیم می‌کرد و آنان تحمل این امر را نداشتند.» (ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۴ / ۲۸۴)؛ ابن ابی الحدید، بی تا: ۱۶ / ۲۳

علل تقسیم مساوی بیت المال

آنچه در این جا مهم است توجه به علل تقسیم این گونه بیت المال است که به نظر می‌رسد مستند امام علی (علیه السلام) در این نحوه تقسیم، نوع نگاه امام علی (علیه السلام) به مسلمانان (که همگان را آزاد و مساوی هم می‌دانست)، استناد به قرآن کریم و سیره رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بوده است.



۱- نوع نگاه امام علی (علیه السلام) به مسلمانان

از منظر امام علی (علیه السلام) همه کسانی که دین اسلام را پذیرفته بودند، در یک رتبه و درجه قرار داشتند. برای آن حضرت رنگ و نژاد، آزاد بودن و برده بودن و شریف و غیرشریف معنا نداشت، همگی بنده خداوند بودند و عدالت حکم می‌کرد، اموال اضافه بیت‌المال که مصرف خاصی ندارد، به طور مساوی در میان آنان تقسیم شود. از منظر آن حضرت هیچ یک از بندگان خداوند جز به طاعت خدا و رسول و پیروی از کتاب و سنت (که البته همین هم فضیلتی معنوی به حساب می‌آمد) از دیگری برتر نیستند. (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۱۸۳) امام در یکی از خطبه‌های خویش که پس از اعتراضات برخی به نحوه تقسیم بیت‌المال ایراد شده است، بر این امر اصرار دارد که هر کس به قبله ما مسلمانان رو می‌کند و قربانی ما مسلمانان را می‌خورد و بر توحید و نبوت شهادت می‌دهد، احکام قرآن و بهره‌های اسلام در مورد او اجرا می‌شود. (همان، ۱۸۴) این امر نشان می‌دهد از منظر آن حضرت کسی که دین اسلام را می‌پذیرفت و اصطلاحاً مسلمان می‌شد، از هر نژادی که بود و هر جایگاه اجتماعی که داشت، وظیفه حاکم اسلامی است که او را همانند سایر مسلمانان بداند، احکام قرآن را در مورد او اجرا کند و بهره او را (از بیت‌المال) همانند دیگران قرار دهد. در دستور العملی که آن حضرت به عمار بن یاسر (م. ۳۷ ق.) و ابوالهثیم بن تبهان (م. ۳۷ ق.) به عنوان عاملان خویش بر بیت‌المال مدینه نوشته، از برابری تمامی تیره‌های عرب و غیر عرب که اسلام را پذیرفته‌اند، سخن به میان آمده است.

(مفید، ۱۴۱۳: ۱۵۲)

در یکی از خطبه‌های آن حضرت که در ابتدای دوره زمامداری ایشان بیان شده، امام علی (علیه السلام) ضمن اشاره به این امر که همگی شما، بندگان مسلمان هستید، از تقسیم مساوی مال در میان آنان خبر داد و برتری در زمینه تقوا را موجب اجر و ثواب بیشتر در نزد خداوند دانست. (ابن عقده کوفی، ۱۴۲۴: ۹۱؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۳۲۹؛ ابن ابی‌الحدید، بی تا: ۷، ۳۱) این امر نشان می‌دهد از منظر امام علی (علیه السلام) سبقت در اسلام و کسب فضائل معنوی، اموری هستند که تنها در آخرت پاداششان داده خواهد شد. در خطبه دیگری آن حضرت ضمن اشاره به این امر که حضرت آدم (علیه السلام) کنیز و برده به دنیا نیاورده و همگی آزاد آفریده شده‌اند، از تقسیم مساوی اموالی که در نزدش بود، خبر داد و اشاره کرد ما این اموال را بین سیاه و سرخ به طور مساوی تقسیم خواهیم کرد. (کلینی، ۱۳۶۲: ۸ / ۶۹) این امر نشان می‌دهد از منظر امام علی (علیه السلام) همه کسانی که دین اسلام را پذیرفته‌اند در یک مرتبه قرار داشتند هیچ کس به خاطر رنگ و نژادش بر دیگری برتری نداشت و امام علی (علیه السلام) به عنوان حاکم اسلامی وظیفه خویش را در این می‌دید

که عطایای همگان را به صورت مساوی تقسیم کند.

۲- استناد به قرآن کریم و سیره پیامبر ﷺ

واکاوی سیره امام علی علیه السلام نشان می‌دهد آن حضرت پابندی عجیبی به قرآن کریم و سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله داشته است. (یعقوبی، بی تا: ۲ / ۱۶۲؛ خطبه ۱۱۰) به گونه‌ای که به هیچ وجه حاضر نبود بر خلاف این رویه عمل کند. (یعقوبی، بی تا: ۲ / ۱۶۲؛ حلی، ۱۴۰۴: ۳۵۱) آن حضرت در روز دوم بیعت خویش در یکی از سخنرانی‌های خویش بر این نکته داشت که من شما را به راه روشن پیامبران خواهم برد. (ابن ابی‌الحدید، بی تا: ۷ / ۳۶)

شواهد متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد یکی از مستندات امام علی علیه السلام در این نحوه تقسیم، استناد به قرآن کریم و سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده است. (اسکافی، ۱۴۰۲: ۱۱۲؛ ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۱۸۴) به عنوان نمونه وقتی امام علی علیه السلام با مخالفت عده‌ای با شیوه تقسیم بالسویه مواجه شد و فهمید عده‌ای بدین جهت عصبانی هستند، ضمن تأکید بر این امر که کسی در این مال بر دیگری برتری ندارد، به قرآن کریم و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله استناد کرد و فرمود: «این کتاب خدا بین ما و شماست و پیامبری که سیره او مشخص است.» (ابن عقده، ۱۴۲۴: ۹۴) در واقع امام اشاره دارد من با استناد به قرآنی که در دسترس همه ماست و همه ما آن را قبول داریم و با استناد به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله که کاملاً مشخص است، این گونه عمل می‌کنم. در جای دیگری نیز امام علی علیه السلام در خطبه‌ای مفصل که به منظور پاسخ به اعتراضات برخی درباره نحوه تقسیم بیت‌المال ایراد کرده‌اند، ضمن تأکید بر تساوی همگان در بهره‌گیری از دارایی بیت‌المال، از مشخص کردن نحوه تقسیم آن توسط خداوند سخن گفته است. سپس امام بر این نکته تأکید دارد که: «این مال، مال خداست و شما هم بندگان مسلمان خداوند هستید و این کتاب خداست که به آن اعتراف کرده‌ایم و بر آن گواهییم و به آن تسلیم شده‌ایم.» در ادامه، آن حضرت از عهد(سیره) پیامبر صلی الله علیه و آله در این زمینه سخن گفت و از همگان درخواست کرد آن را بپذیرند. (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۱۸۴) اندک تأملی در سخنان امام نشان می‌دهد استناد آن حضرت در خصوص علت تقسیم مساوی بیت‌المال، توجه به قرآن کریم و سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله - که بیت‌المال را مساوی قسمت می‌کرد- بوده است.

آن حضرت در پاسخ به اعتراضات طلحه(م ۳۶ ق) و زبیر(م ۳۶ ق) نیز به قرآن کریم و سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله استناد داشت. وقتی حضرت متوجه شد آنان به این امر اعتراض دارند که چرا علی علیه السلام بر خلاف خلیفه دوم، بیت‌المال را تقسیم می‌کند و بهره آنان را کم کرده است، در حالی که آنان در جنگ و جهاد زحمات زیادی کشیده‌اند، به قرآن کریم و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله استناد کرد و فرمود: «تقسیم بالسویه

بیت‌المال امری است که من درباره آن حکم نکرده‌ام من و شما قرآنی که پیامبر ﷺ آورده را می‌بینیم. اما این که می‌گویید سابقه جهادی ما را در نظر نمی‌گیری، سیره پیامبر ﷺ نیز همین گونه بود.» (اسکافی، ۱۴۰۲: ۱۱۴؛ ابن‌عقده کوفی، ۱۴۲۴: ۹۴-۹۵؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۷۳۲) این که امام علی علیه السلام صراحتاً فرموده تقسیم مساوی بیت‌المال امری نیست که من درباره آن تصمیم گرفته باشم و دستور قرآن کریم و به تبع آن سیره پیامبر ﷺ بوده. این احتمال را تقویت می‌کند که این حکم، حکمی حکومتی نبوده که اختیار آن در دست امام علی علیه السلام باشد، بلکه دستوری قرآنی و حکمی شرعی است که امکان تخلف نسبت به آن وجود ندارد.

بر اساس نقلی امام علی علیه السلام در پاسخ به اعتراض‌های مکرر طلحه و زبیر، از آن دو پرسید: پیروی از سیره پیامبر ﷺ بهتر است، یا پیروی از سیره عمر؟! (قاضی نعمان مغربی، ۱۴۰۹: ۱ / ۳۸۴؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۲ / ۱۱۰-۱۱۱) در این جا امام در حقیقت پابندی خویش را به سیره رسول خدا ﷺ نشان داده و ضمناً سیره خلیفه دوم را در تقسیم بیت‌المال نادرست شمرده است. بر اساس همین نقل وقتی آن دو از سابقه خویش در اسلام سخن گفتند، امام علی علیه السلام ضمن اشاره به بیشتر بودن سابقه خویش از ایشان، سهم خویش و کارگری که برایش کار می‌کرد را از بیت‌المال مساوی دانست. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۲ / ۱۱۰-۱۱۱) در این جا امام علی علیه السلام در حقیقت به این نکته اشاره دارد که جایگاه افراد و سوابق دینی آنان و خدماتشان به اسلام نمی‌تواند محملی برای تبعیض باشد و اگر بنا باشد که سوابق افراد سبب بهره بیشتر آنان باشد، هیچ‌کس سابقه‌اش از من علی بیشتر نیست اما بدانید که بهره من و غلامم از بیت‌المال یکسان است. در نقل دیگری آن حضرت به آنان فرمود: این اموال متعلق به بیت‌المال است و من امین مردم هستم اگر می‌خواهید، به منبر بروم و آن چه از بیت‌المال می‌خواهید، از مردم درخواست کنم، اگر اجازه دادند به شما می‌دهم! (مفید، ۱۴۱۳: ب، ۱۶۴) این امر نشان می‌دهد امام علی علیه السلام معتقد بوده اختصاص اموال اضافه به افرادی چون طلحه و زبیر، مساوی با ضایع کردن حقوق سایر مسلمانان است، امری که طبیعتاً مخالف قرآن کریم و سنت نبوی و خواست توده مردم بوده است.

در موردی دیگر وقتی آن حضرت به هر یک از مسلمانان سه دینار عطا کرد، یکی از انصار به آن حضرت اعتراض داشت که چرا وی را با غلامش که به تازگی او را آزاد کرده، مساوی بهره داده است؟! حضرت در جواب وی به قرآن کریم استناد کرد و فرمود: «من در این کتاب برتری‌ای برای فرزندان اسماعیل بر فرزندان اسحاق نیافتم.» (کلینی، ۱۳۶۲: ۸ / ۶۹) کنایه از این که ما پیرو قرآن کریم هستیم و از منظر قرآن همگی



انسان‌ها در یک رتبه قرار دارند. در نقل مشابهی آن حضرت در حالی که چوبی در دست داشت فرمود: قرآن را خواندم و برای فرزندان اسماعیل بر فرزندان اسحاق برتری‌ای حتی به اندازه این چوب پیدا نکردم. (یعقوبی، بی تا: ۲ / ۱۸۳) در یک مورد هم وقتی دو زن فقیر، یکی عرب و دیگری عجم از امام علی (علیه السلام) درخواست کمک کردند، حضرت ضمن اشاره به وظیفه حاکمیت در تأمین خواسته‌های آنان، اموالی را به طور مساوی در اختیار آنان قرار داد و وقتی یک از آن دوزن خود را به جهت عرب بودن بر دیگری برتر شمرد و خواستار کمک اضافه‌ای شد، امام علی (علیه السلام) با استناد به قرآن کریم با خواسته وی مخالفت کرد. (بلاذری، ۱۴۱۷: ۲ / ۱۴۱) امام علی (علیه السلام) حتی بین خواهرش ام هانی (م بعد از ۶۰ هجری) و کنیز وی تفاوتی قائل نشد و در پاسخ به اعتراض خواهرش، قرآن را مورد استناد قرار داد. (مفید، ۱۴۱۳: الف، ۱۵۱ صدوق، ۱۴۰۴: ۱، ۳۲۳) نقل‌های گوناگونی که درباره سیره امام علی (علیه السلام) در تقسیم بیت‌المال ذکر شد، نشان می‌دهد مستند اصلی امام علی (علیه السلام) در این مسیر، توجه به قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بوده است. امام علی (علیه السلام) به عنوان یکی از پایبندترین افراد به آموزه‌های قرآنی و سیره نبوی هرگز به خود اجازه نمی‌داد برخلاف قرآن و سیره عمل کند. ضمن این که تمامی این موارد موید این امر است که نوع تقسیم بیت‌المال حکمی نیست که امام از پیش خود و از روی مصلحت، بدان حکم کرده باشد، بلکه این قرآن کریم است که چنین حکمی صادر کرده است.

دقیقاً مشخص نیست که استناد امام علی (علیه السلام) در توجیه سیره خویش، به کدام یک از آیات قرآن کریم است، چرا که آن حضرت بدون اشاره به آیه‌ای خاص، به طور کلی به قرآن کریم استناد کرده است. آنچه از سخنان حضرت برداشت می‌شود این است که مستند آن حضرت در این زمینه، آن دسته از آیات قرآن کریم است که به طور کلی انسانها را از يك ریشه دانسته‌اند (نساء، ۱: انعام، ۹۸) بر کرامت انسانی تأکید کرده‌اند، (اسراء، ۷۰) بر برابری همه انسان‌ها و رعایت عدالت در حق آنان تأکید کرده‌اند (سبا، ۳۶-۳۷) و ملاک برتری را در امور معنوی و تقوا و دینداری می‌دانند. (حجرات، ۱۳)

واکاوی سیره امیرالمومنین (علیه السلام) در خصوص بیت‌المال نشان می‌دهد، درآمدهای بیت‌المال در زمان آن حضرت دو نوع مصرف داشته است، بخشی از آنها در مصارف خاصی با عناوین معینی چون کمک به فقرا و نیازمندان، خانواده‌های بی‌سرپرست، کارگزاران حکومتی، از کار افتادگان، مجاهدان مسلمان و هزینه‌های جنگ و... استفاده می‌شده و بخشی دیگر که طبیعتاً مازاد بر این امور بوده و یا جهت تأمین هزینه‌های زندگی روزمره مردم بوده، به صورت مساوی در میان مسلمانان تقسیم می‌شده است. علت انتخاب چنین رویه‌ای، از یک سو متأثر از نوع نگاه آن حضرت به مسلمانان است که حضرت همگی آنان را از هر رنگ و نژادی و از هر قوم و قبیله‌ای با یکدیگر برابر می‌دانست و معتقد بود از این جهت کسی بر دیگری برتری ندارد، از سوی دیگر مستند آن حضرت در انتخاب این شیوه، توجه به قرآن کریم و سیره رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بوده است. نوع عملکرد امام علی (علیه السلام) و استنادات ایشان به قرآن کریم و سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و اعتراضاتی که به شیوه خلیفه دوم داشته، نشان می‌دهد احتمالاً انتخاب چنین روشی از سوی امام علی (علیه السلام) نه یک حکم حکومتی (که طبیعتاً تابع صلاح‌حدید حاکم است)، بلکه حکم قطعی شرعی بوده است. حداقل می‌توان گفت که این شیوه، شیوه‌ای آرمانی و مطلوب است که خلیفه دوم نیز در اواخر دوره زمامداری خویش به همین نتیجه رسیده بود.



قرآن کریم

نهج البلاغة

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن محمد، بی تا، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۲، ۱۶، بیروت: دار احیاء الکتب العربیه.
۲. ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد، ۱۴۱۶ق، المصنف، ج ۹، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳. ابن اعثم کوفی، احمد، ۱۴۱۱ق، الفتوح، ج ۴، بیروت: دار الاضواء.
۴. ابن اثیر، عزالدین، ۱۴۰۹ق، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۳، بیروت: دار الفکر.
۵. ابن سعد، محمد، بی تا، الطبقات الکبری، ج ۳، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۶. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۶۳ش، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین.
۷. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ۱۳۷۹ق، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، قم: علامه.
۸. ابن عساکر، علی بن حسن، ۱۴۱۵، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ۴۴، بیروت: دار الفکر.
۹. ابن عقده کوفی، ۱۴۲۱ق، فضائل امیرالمومنین (علیه السلام)، قم: دلیل ما.
۱۰. ابن فارس، احمد، بی تا، معجم مقاییس اللغه، ج ۳، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، بی تا، لسان العرب، ج ۴، بیروت: دار صادر.
۱۲. احمد بن حنبل، بی تا، مسند احمد، ج ۱، بیروت: دار صادر.
۱۳. اسکافی، ابوجعفر محمد بن عبدالله، ۱۴۰۲ق، المعیار والموازنه، بیروت: بی تا.
۱۴. بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۴۱۷، أنساب الأشراف، ج ۲، ۱۰، بیروت: دار الفکر.
۱۵. تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، ۱۳۸۳ق، دعائم الاسلام، ج ۲، قاهره، دارالمعارف.
۱۶. -----، ۱۴۰۹ق، شرح الاخبار، ج ۱، قم: جامعه مدرسین.
۱۷. -----، ۱۴۲۳ق، المناقب و المثالب، بیروت، اعلمی.
۱۸. ثقفی کوفی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۵۳، الغارات، ج ۱، طهران: انجمن آثار ملی.
۱۹. حسینی، سید رضا، ۱۳۸۰، بیت المال، دانشنامه امام علی (علیه السلام)، ج ۷، زیر نظر علی اکبر رشاد، ص ۳۸۱-۴۴۶، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۰. حلبی، ابوالصلاح، ۱۴۰۴ق، تقریب المعارف، قم: الهادی.
۲۱. الدجیلی، خوله شاکر، ۱۳۷۹ش، بیت المال پیدایش و تحولات آن، ترجمه سید محمد صادق عارف، مشهد: آستان قدس رضوی.



۲۲. دینوری، ابن قتیبه، ۱۴۱۰ق، *الامامه والسیاسه*، ج ۱، بیروت: دار الاضواء.
۲۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۴ش، *مفردات الفاظ القرآن*، ج ۴، تهران: مرتضوی.
۲۴. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۴۰۴ق، *من لا یحضره الفقیه*، ج ۱، قم: جامعه مدرسین.
۲۵. طبری، محمد بن جریر، ۱۳۸۷ق، *تاریخ طبری*، ج ۳ و ۴، بیروت: دار التراث.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ق، *الامالی*، قم: دارالثقافه.
۲۷. علی اکبری، محمدحسین، ۱۳۹۰ش، *سیاست‌های مالی امام علی (علیه السلام)*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۲ش، *کافی*، ج ۵ و ۸، تهران: اسلامیه.
۲۹. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ۱۴۱۳ق، *الأختصاص*، قم: کنگره شیخ مفید.
۳۰. -----، ۱۴۱۳ق، *الجمل والنصره لسید العتره فی حرب البصره*، قم: دار المفید.
۳۱. نوری، حسین، ۱۳۶۳ش، *بیت‌المال در نهج البلاغه*، قم: بنیاد نهج البلاغه.
۳۲. هروی، قاسم بن سلام، ۱۴۰۸ق، *الاموال*، بیروت: دار الفکر.
۳۳. یعقوبی، ابن واضح، بی تا، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، بیروت: دارصادر.

مقالات

۳۴. سجادی، سید صادق، ۱۳۸۳ش، *بیت‌المال، دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱۳، زیر نظر سید کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
۳۵. رحمانی، محمد، ۱۳۷۹، *بیت‌المال در نهج البلاغه، فصلنامه علمی پژوهشی حکومت اسلامی*، شماره ۱۷، ص ۳۱۵-۳۴۶.
۳۶. منتظری مقدم، حامد، ۱۳۸۹، *شیوه‌های تقسیم بیت‌المال در صدر اسلام، مجله معرفت اقتصاد اسلامی*، شماره ۲، ص ۱۳۷-۱۷۱.